فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی
سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۹۳، صفحات ۱۰۴-۹۳

اثر مهاجرت نیروی انسانی متخصص (فرار مغزها) بر فقر در کشورهای در حال توسعه

هاجر رستمی حصوری
کارشناس‌ارشد اقتصاد (نویسنده مسئول)
h.rostami5@gmail.com

به نظر می‌رسد خروج نیروی انسانی متخصص از کشورهای در حال توسعه (مبدأ) آثار منفی بر اقتصاد این کشورها بر جای می‌گذارد. کشورهای در حال توسعه برای نیل به اهداف توسعه‌ای خود از جمله کاهش فقر به این افراد نیازمندند، در حالی‌که طبق برخی مطالعات صورت‌گرفته مهاجرین با ایجاد آثار بازخوردی مثبت به‌ویژه وجوه ارسالی که از کشورهای توسعه‌یافته (مقصد) به کشورهای مبدأ دارند نقش مؤثری در کاهش فقر این کشورها داشته‌اند. از این رو، به‌منظور بررسی اثر مهاجرت نیروی انسانی متخصص (فرار مغزها) بر فقر کشورهای مبدأ فرار مغزها از ۳۲ کشور در حال توسعه طی دوره زمانی (۲۰۰٤-۱۹۹۱) با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج نشان دادند که اثر فرار مغزها بر فقر در این کشورها معنادار نیست. در اثرگذاری فرار مغزها بر فقر کشورهای مبدأ ویژگی‌ها و رفتار اقتصادی افراد دریافت‌کننده وجوه ارسالی مهم بوده و این مقادیر به اندازه‌ای نیست که بتوانند آثار منفی ناشی از عدم حضور متخصصین را در این کشورها جبران نمایند.

طبقه‌بندی JEL: F22, I32, O15.
واژه‌های کلیدی: مهاجرت بین‌المللی، نیروی انسانی متخصص، فقر.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۳

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-05]

۱. مقدمه

تصور یکپارچگی اقتصاد دنیا بدون در نظر گرفتن مهاجرت به‌عنوان بخشی از آن دشوار است. مهاجرت بین‌المللی حرکت افراد بین مرزهای بین‌المللی است که مفاهیم فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی عظیمی برای کشورهای مبدأ و مقصد به‌همراه دارد. مهاجرت بین‌المللی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رابطه بین کشورهای در حال توسعه (کشورهای مبدأ) و توسعه‌یافته (کشورهای مقصد) در قرن ۲۱ است. برآوردها نشان می‌دهند حدود ۱۸۰ میلیون نفر در کشورهایی زندگی می‌کنند که در آن کشورها به دنیا نیامده‌اند. در میان این افراد میلیون‌ها نیروی انسانی متخصص وجود دارد که از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته مهاجرت نموده‌اند (ازدن و شیف، ۲۰۰۶). مهاجرت این افراد آثاری بر اقتصاد کشورهای مبدأ و مقصد دارد.

مطالعات گسترده‌ای در زمینه اثر مهاجرت بر اقتصاد کشورهای مقصد به‌ویژه اثر مهاجرت بر بازار نیروی کار غیرمتخصص صورت گرفته است. گرچه رابطه بین مهاجرت و توسعه در کشورهای مبدأ مورد غفلت واقع شده است، اثر مهاجرت در کشورهای مختلف متفاوت است. به‌طور کلی، دیدگاه مرسوم در زمینه اثر مهاجرت بر اقتصاد کشورهای مبدأ مبین آثار منفی این پدیده می‌باشد. اگر کشورهای مبدأ نتوانند مهارت‌های تولیدشده از طریق سیستم آموزشی خود را حفظ نمایند یا مهارت‌های مورد نیاز خود را جذب کنند فقدان مغزها در بخش‌های حساس توانایی این کشورها را در کاهش فقر و افزایش رشد اقتصادی می‌کاهد. سیاست‌های مهاجرت در کشورهای توسعه‌یافته در جهت جذب مهاجران با بالاترین کیفیت با هدف سیاست توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه که کاهش فقر و افزایش رشد می‌باشد در تضاد است، زیرا کشورهای در حال توسعه برای مؤثر بودن سیاست‌های توسعه‌ای خود به این افراد نیازمندند و کشورهای توسعه‌یافته سیاست‌های جذب بر اساس کیفیت در پیش گرفته‌اند (آدامز و پیج، ۲۰۰۵).

از سوی دیگر، در برخی مطالعات صورت‌گرفته از اثر مثبت مهاجرت بر اقتصاد کشورهای مبدأ از جمله کاهش فقر صحبت می‌شود. طبق این مطالعات از بارزترین آثار مهاجرت وجوه ارسالی است که مهاجران به کشورهای خود می‌فرستند. نقش بالقوه این انتقالات این است که به‌طور مستقیم خانواده‌های مهاجران را منتفع می‌سازد. در سطح کلان این وجوه باعث افزایش نقدینگی، افزایش تقاضا و

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-05]

سرمایه‌گذاری، تحریک تولید، افزایش اشتغال و کاهش فقر می‌گردد. مهاجرت بین‌المللی و وجوه ارسالی نابرابری جهانی را کاهش می‌دهد که این خود نشان‌دهنده توزیع نابرابر فرصت‌هاست (کاتانئو، ۲۰۰۸).

این مقاله تلاش می‌کند اثر فرار مغزها بر فقر کشورهای مبدأ را مورد بررسی قرار دهد. در ادامه مقاله ابتدا ادبیات نظری و تجربی ارائه می‌گردد، سپس الگوی اقتصادسنجی مناسب ارائه شده و پس از شرح داده‌های مورد استفاده الگوی مورد استفاده تخمین زده می‌شود و نتایج تحلیل ارائه می‌گردد.

۲. مبانی نظری و تجربی

مستقیم‌ترین آزمون در خصوص فقر در داده‌های مقطعی توسط راوالیون و همکاران (۱۹۹۷) انجام گرفت. آژانس‌های بین‌المللی مانند USAD در جهت توسعه بین‌المللی زمان بسیاری را صرف محاسبه تعداد فقرا در کشورهای در حال توسعه نموده‌اند.

۲-۱. مفهوم فقر

به‌دلیل ماهیت پیچیده فقر در منابع موجود تعریف متفاوتی برای فقر ارائه شده است، اما تقریباً تمام اقتصاددانان تقسیم‌بندی فقر را به دوگروه فقر مطلق و فقر نسبی پذیرفته‌اند. فقر در تعریف مطلق آن به‌عنوان ناتوانی فرد یا یک خانواده در دسترسی به منابع کافی برای تأمین نیازهای اساسی می‌باشد. فقر نسبی به‌صورت ناتوانی در کسب متوسط سطح زندگی افراد یک جامعه تعریف شده است. وی معتقد است که در سنجش فقر عمدتاً فرض می‌شود که سطح از پیش تعیین‌شده‌ای از سطح زندگی به نام خط فقر وجود دارد که در صورت دستیابی به آن کسی فقیر محسوب نخواهد شد. وی خط فقر را به‌صورت مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح رفاه مرجع متحمل می‌شود تعریف می‌کند و افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند فقیر و کسانی‌که به این سطح دسترسی دارند غیرفقیر تلقی می‌شوند. یافتن خط فقر و مشخص نمودن تعداد فقرا در جامعه به‌تنهایی کافی نیست، زیرا به‌ازای خط فقر و تعداد فقرا در جامعه شدت فقر می‌تواند متفاوت باشد. دلیل این امر این است که مؤلفه‌هایی مانند نابرابری در توزیع درآمد بین فقرا متوسط درآمد آنها و فاصله درآمدشان تا خط فقر بر میزان شدت فقر تأثیرگذارند و تغییر در هر یک می‌تواند باعث تغییر در میزان شدت فقر گردد. در این تحقیق از شاخص شکاف درآمدی فقر استفاده گردید. این شاخص برای بیان

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-05]

شدت یا عمق فقر مورد استفاده قرار می‌گیرد و بر اساس تفاوت درآمد خانوار یا فرد فقر از خط فقر تعیین می‌شود (صادقی و همکاران، ۱۳۸۸).

$$y_i \prec z \qquad g_i = z - y_i \tag{۱}$$

که درآن، g_i: شکاف فقر فرد i، z: خط فقر و y_i: درآمد فرد i. g_iبرای فقرا مثبت و برای سایر افراد جامعه منفی است. شکاف فقر کل برابر است با:

$$g_1 = \frac{1}{z}\sum_{i=1}^{q}(z - y_i) \tag{۲}$$

$$g_2 = \frac{1}{q}\sum_{i=1}^{q}(z - y_i) \tag{۳}$$

که در آن، g_1 بیانگر نسبت شکاف فقر است و g_2 متوسط شکاف فقر را نشان می‌دهد.

۲-۲. مهاجرت نیروی انسانی متخصص (فرار مغزها)

فرار مغزها پدیده‌ای است که مربوط به زمان و مکان خاصی نیست و تمام کشورها در زمان‌های متفاوت با این پدیده درگیر بوده و هستند، اما عموماً فرار مغزها به انتقال منابع در قالب منابع انسانی از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته تلقی می‌شود، زیرا کشورهای توسعه‌یافته به‌ویژه کشورهای اروپایی با وجود دارا بودن سرمایه‌های انسانی مهاجر کمبود منابع انسانی خود را از کشورهای در حال توسعه به‌ویژه کشورهای آسیایی تأمین می‌کنند، در حالی‌که کشورهای در حال توسعه چنین منبع جبرانی را در اختیار ندارند.

تا چندین سال اخیر داده‌های مقایسه‌ای در مورد اندازه فرار مغزها وجود نداشت. اولین سری از تلاش‌هایی که در این زمینه صورت گرفت توسط کارینگتون و دتراژیه (CD)[1] از اقتصاددانان صندوق بین‌المللی پول در سال ۱۹۹۸ بوده است. پس از آنها داکی یر و مارفوک از اقتصاددانان بانک جهانی گروه دیگری بودند که در این زمینه به تلاش پرداختند. آنها در سال ۲۰۰۶ داده‌هایی را در مورد مهاجران ورودی به تمام کشورهای عضو OECD بر اساس سطح

1. Carington& Detragiaehe

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-05]

آموزشی و کشور محل تولد برای سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ تهیه نمودند. در مطالعه داکی یر و مارفوک تعداد مهاجران از کشور j با مهارت (بالا) h در زمان t $M^{j}_{t,s}$ به‌صورت زیر محاسبه شده است:

$$M^{j}_{t,h} = \sum_i M^{i,j}_{t,h} + \sum_i M^{i,j}_{t,u} * \gamma^{i}_{t} * \frac{\sum_i M^{i,j}_{t,h}}{\sum_i \left[M^{i,j}_{t,l} + M^{i,j}_{t,m} + M^{i,j}_{t,h} \right]} \qquad (۴)$$

بنابراین این معادله $M^{j}_{t,h}$ معرف تعداد نیروی انسانی متخصصی (دارای تحصیلات عالی) است که در زمان t از کشور j به کشور i مهاجرت نموده‌اند (طیبی و همکاران، ۱۳۹۰).

۲-۳. فقر و مهاجرت

ورود کشورهای در حال توسعه به بازارهای جهانی مصنوعات و خدمات و شکل‌گیری مجدد مهاجرت و جریان‌های سرمایه بر فقر و توزیع درآمد در داخل و بین کشورها تأثیر نهاده است. در سال ۱۸۲۰ درآمد سرانه اروپای غربی ۲/۹ برابر آفریقا بود و در سال ۱۹۹۲ این رقم ۱۳/۲ برابر بود. در دهه ۱۹۹۰ درآمد سرانه به کندی رشد نمود، اما در کشورهای در حال گذار اروپای شرقی و مرکزی به‌ویژه کشورهای مشترک‌المنافع مستقل بخش‌های زیادی از مناطق زیر صحرای آفریقا و کشورهایی در آمریکای لاتین و حوزه کارائیب رکود اقتصادی را تجربه نموده‌اند. در این دوره کشورهای در حال توسعه پرجمعیت نظیر چین و هندوستان به رشد اقتصادی سریع دست یافتند. در سال ۱۹۹۵ نابرابری بین کشورها کمتر از نصف میزانی بود که در سال ۱۹۶۰ وجود داشت و به میزان زیادی به کمتر از آنچه در سال ۱۹۸۰ بود رسید. ممکن است بخشی از این نابرابری مربوط به مهاجرت باشد (حسن‌زاده، ۱۳۸۹).

رابطه بین مهاجرت و رشد اقتصادی به‌صورت تئوریکی و تجربی مورد بررسی قرار گرفته است، در حالی‌که مطالعه چندانی در مورد رابطه مهاجرت و فقر صورت نگرفته است. یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذاری مهاجرت بر فقر وجوه ارسالی است که مهاجران به خانواده‌ها و آشنایان خود در کشورهای مبدأ می‌فرستند. اثرگذاری این وجوه به این امر بستگی دارد که کدام طبقه درآمدی دریافت‌کننده این وجوه بوده و چگونه این وجوه مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجا که مهاجرت هزینه‌بر است، اگر تنها عده‌ای از طبقات درآمدی بالا قادر به مهاجرت باشند وجوه ارسالی مهاجران به این طبقات درآمدی تعلق گرفته و انتظار می‌رود نه‌تنها فقر کاهش نیابد، بلکه افزایش نیز داشته باشد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-05]

آدامز (۱۹۹۱) در مطالعه‌ای برای برزیل به این نتیجه رسید خانواده‌هایی که متعلق به طبقات درآمدی پایین‌تر هستند وجوه ارسالی کمتری دریافت می‌کنند و این امر باعث افزایش فقر در این کشورها شده است.

رادریگویز (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای برای فیلیپین به نتیجه مشابهی دست یافت، اما اگر مهاجرت محدود به طبقه خاصی نباشد و طیف اجتماعی وسیعی قادر به مهاجرت باشند در این صورت انتظار می‌رود زمینه کاهش فقر فراهم گردد. در مورد چگونگی استفاده از وجوه ارسالی مهاجران در کشور مبدأ نظرات متفاوتی وجود دارد. به اعتقاد برخی محققین وجوه ارسالی مهاجران آثار چند جانبه دارد. با وجود این انتقالات ممکن است سرمایه‌گذاری افزایش یابد و در نهایت ساختار فقر از طریق آزاد شدن قیود سرمایه‌ای تحت تأثیر قرار گیرد (کاتانئو، ۲۰۰۸). حتی اگر این وجوه سرمایه‌گذاری نشود و برای تأمین غذا و کالاهای مصرفی مورد استفاده قرار گیرد موجب افزایش نقدینگی در اقتصاد و تحریک تولیدات کشاورزی و فعالیت‌های خرده‌فروشی می‌شود و باعث افزایش تقاضا، تولید و رفاه کل جامعه و کاهش فقر می‌گردد (آدلمن و تیلور، ۱۹۹۰ و داکی یر، ۲۰۰۶). عده‌ای نیز بر این باورند که ارزش وجوه ارسالی مهاجرین قابل توجه نبوده و این وجوه در زمینه سرمایه‌گذاری‌های مولد به‌کار برده نمی‌شود و بیشتر در مواد غذایی و مصرفی کاربرد دارد. این هزینه‌ها می‌توانند کمکی برای خانواده‌های فقیر باشند. همچنین محرکی برای افزایش واردات نه تولید داخل هستند. در این صورت تولید داخل، اشتغال و صادرات کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند (لاول، ۲۰۰۱).

باید به این نکته توجه داشت که مطالعات مذکور مهاجرین را به‌صورت عام مورد بررسی قرار داده و تفاوتی از لحاظ مهارت و تخصص بین آنها قائل نشده‌اند. مهاجرت افراد متخصص و برجسته بر رشد اقتصادی کشورهای مبدأ مؤثر است. اینکه فرار مغزها بر فقر کشورهای مبدأ چگونه اثر می‌گذارد در این مقاله مورد آزمون قرار می‌گیرد.

۳. روش کار

۳-۱. معرفی الگوی تجربی

در این بخش از داده‌های تلفیقی برای بررسی چگونگی اثرگذاری فرار مغزها بر فقر کشورهای در حال توسعه استفاده شده است. به این منظور، الگوی پایه رشد- فقر که توسط راوالیون (۱۹۹۷) ارائه شده است و توسط برخی محققین به‌کار برده شده است به‌صورت زیر مورد استفاده قرار گرفته است:

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-05]

$$P_{it} = \alpha_i + \beta_1 \log GDP_{it} + \beta_2 \log GINI_{it} + \beta_3 \log BD_{it} + \mu_{it} \quad (۵)$$
$$(i=1,\ldots,N: t=1,\ldots,T)$$

در این رابطه، P متغیر وابسته است که از طریق شاخص شکاف فقر اندازه‌گیری می‌شود. شکاف فقر نشان‌دهنده عمق فقر بوده و بیان‌کننده متوسط کسری درآمد افراد فقیر از خط فقر است که به‌صورت درصد بیان شده است و دلیل انتخاب این متغیر به‌عنوان شاخص اندازه‌گیری فقر به‌دلیل در دسترس بودن آمار آن برای کشورهای مختلف است. α_i اثر ثابت است که نشان‌دهنده تفاوت زمانی بین کشورها می‌باشد. logGDP رشد تولید ناخالص داخلی سرانه معیاری از رشد اقتصادی است و logGINI رشد ضریب‌جینی معیاری از نابرابری درآمدی است و متغیر logBD رشد فرار مغزها می‌باشد. t نشان‌دهنده زمان و i بیانگر کشور مورد بررسی است. در این الگو این فرضیه که مهاجرت در کشورهای مهاجرفرست فقر پایین‌تر یا بالاتری را نتیجه می‌دهد مورد آزمون قرار گرفته است.

٤. جمع‌آوری داده‌ها و محدودیت‌ها

به‌منظور انجام این تحقیق از کل کشورهای در حال توسعه به‌دلیل در دسترس نبودن اطلاعات و داده‌های مورد نیاز در دوره موردنظر ۳۲ کشور[۱] به‌عنوان کشور مبدأ مورد بررسی قرار گرفتند. کشورهای آمریکا، کانادا، انگلیس، استرالیا، فرانسه و آلمان از بین ۳۰ کشور عضو OECD به‌عنوان کشور مقصد انتخاب شدند که مهاجرپذیرتر از سایر کشورهای عضو بوده‌اند. این کشورها بیش از ۹۵ درصد مهاجران کشورهای در حال توسعه به‌شمار می‌روند (داکی یر و مارفوک، ۲۰۰۶). آمار و ارقام در مورد خروج افراد متخصص از کشورهای در حال توسعه از طریق منابع اطلاعاتی این کشورها قابل دسترسی و محاسبه نیست، زیرا در این کشورها اطلاعات شفافی در این زمینه وجود ندارد و اطلاعات موجود کافی نیست. آنها با استفاده از منابع اطلاعاتی متفاوت کشورهای مقصد آمار فرار مغزها را بر اساس کشورهای مبدأ برای سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ جمع‌آوری نمودند، همچنین داده‌های مرتبط با مهاجرت پزشکان از کشورهای در حال توسعه را نیز برای سال‌های (۲۰۰۴-۱۹۹۱) به‌دست آوردند.

در این تحقیق به‌منظور افزایش دوره مطالعه از آمار مهاجرت پزشکان به‌عنوان شاخص وزنی مهاجرت کل مغزها استفاده شده است. سال ۲۰۰۰ به‌عنوان سال پایه در نظر گرفته شده و وزن محاسبه‌شده از تقسیم تعداد کل

۱. آرژانتین، ارمنستان، بلاروس، بلیز، بولیوی، برزیل، بلغارستان، شیلی، چین، کلمبیا، کاستاریکا، گرجستان، جمهوری دومینیکن، اکوادور، السالوادور، استونی، مجارستان، قزاقستان، لتونی، لیتوانی، مکزیک، مولداوی، پاناما، پاراگوئه، پرو، لهستان، رومانی، روسیه، تایلند، اوکراین، اروگوئه و زامبیا.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-05]

فرار مغزها بر تعداد پزشکان در سال ۲۰۰۰ به‌دست آمده است، سپس از حاصلضرب وزن به‌دست آمده و تعداد پزشکان سال‌های (۲۰۰۴-۱۹۹۱) تعداد کل مغزهای مهاجر برای این دوره حاصل شده است و این مزیت این تحقیق نسبت به مطالعات پیشین است، زیرا مطالعات صورت‌گرفته در این زمینه تنها برای سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ بوده است و از داده‌های تابلویی در این مطالعات استفاده نشده است. سایر داده‌های مورد استفاده در این تحقیق از آمارهای بانک جهانی به‌دست آمده است. متأسفانه آمار و اطلاعاتی در خصوص میزان وجوه ارسالی مهاجرین متخصص وجود ندارد. صندوق بین‌المللی پول آماری در رابطه با میزان این وجوه برای کل مهاجرین منتشر نموده که این آمار تنها دربردارنده آمار رسمی (وجوهی که از طریق کانال‌های بانکی منتقل می‌شوند) است، در حالی که نسبت بزرگی از این وجوه به‌صورت شخصی منتقل می‌شوند. از سوی دیگر، مشخص نیست که سطح تخصص مهاجرین رابطه مثبت یا منفی با میزان وجوه ارسالی دارد.

۵. برآورد الگو و تحلیل نتایج

پیش از برآورد الگوی موردنظر ابتدا می‌بایست متغیرها را از لحاظ مانایی مورد آزمون قرار داد. از آنجا که نامانایی متغیرها چه در مورد داده‌های سری زمانی و چه در مورد داده‌های تابلویی باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می‌شود در مورد آزمون مانایی داده‌های تابلویی از آزمون ریشه واحد جمعی از قبیل آزمون لوین لین چو استفاده می‌شود. فرض صفر این آزمون بیانگر نامانایی متغیر است. نتایج آزمون لوین لین چو در ادامه مشاهده می‌شود:

جدول ۱. نتایج آزمون ریشه واحد به روش LLC

نام متغیر	مقدار آماره لوین لین چو	احتمال پذیرش فرضیه صفر	نتیجه
P	-۵/۹۰۳۴	۰	نامانایی در سطح اهمیت یک درصد رد می‌شود
log GDP	۰/۷۱۶۰	۰/۲۳۷	نامانایی در سطح اهمیت یک درصد پذیرفته می‌شود
D(log GDP)	-۱۳/۹۳۲	۰	نامانایی در سطح اهمیت یک درصد رد می‌شود
Log GINI	-۱۵/۷۱۵	۰	نامانایی در سطح اهمیت یک درصد رد می‌شود
Log BD	-۴/۹۲۶۵	۰	نامانایی در سطح اهمیت یک درصد رد می‌شود

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-05]

همانطور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود تمام متغیرها بجز log GDP در سطح اهمیت یک‌درصد مانا هستند، این متغیر نیز پس از یک‌بار تفاضل‌گیری در در سطح اهمیت یک درصد مانا می‌شود، سپس به‌منظور برآورد الگو می‌بایست تلفیقی بودن یا تابلویی بودن داده‌ها از طریق آزمون F لیمر مورد بررسی قرار گیرد. فرضیه صفر در این آزمون بیان‌کننده تلفیقی بودن داده‌هاست. مقدار آماره F لیمر به‌دست آمده ۰/۸۴۵۱ است و تلفیقی بودن[1] داده‌ها در سطح اهمیت یک درصد پذیرفته می‌شود. در واقع، تلفیقی بودن داده‌ها ترکیب نمودن مشاهدات روی داده‌های مقطعی طی چندین دوره زمانی است. در این روش، تمام ضرایب ثابت بوده و فرض می‌شود که جمله اخلال قادر است تمام تفاوت‌های میان واحدهای مقطعی و زمان را توضیح دهد. در این حالت، الگو به روش حداقل مربعات معمولی (OLS) قابل برآورد است (طیبی و همکاران، ۱۳۸۷)، بنابراین الگو به روش حداقل مربعات معمولی با استفاده از نرم‌افزار stata برآورد گردید و نتایج جدول (۲) حاصل شد.

جدول ۲. نتایج برآورد الگو

نام متغیر	مقدار آماره لوین لین چو	احتمال پذیرش فرضیه صفر
log GDP	-۳/۵۹۵۶	۰
Log GINI	-۱۱/۷۱۰۶	۰
Log BD	۰/۰۳۲۴	۰

مأخذ: نتایج تحقیق.

همانطور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود رشد اقتصادی و ضریب جینی اثر معناداری بر فقر دارند. بر اساس نتایج به‌دست آمده اثرگذاری ضریب جینی بر عمق فقر بیش از ۳ برابر اثرگذاری رشد اقتصادی بر عمق فقر است. به اعتقاد برخی اقتصاددانان اثر اصلی رشد توسط ثروتمندان جذب شده و به مقدار کمتری افراد کم درآمد را منتفع می‌کند. طبق این عقیده آنچه از اهمیت بالاتری برخوردار است نابرابری اولیه می‌باشد، به طوری‌که هر چه نابرابری اولیه کمتر باشد اثرگذاری رشد اقتصادی بر فقر بیشتر خواهد بود (صادقی و همکاران، ۱۳۸۷). اثر رشد فرار مغزها بر عمق فقر بی‌معناست. هر چند مغزهای مهاجر می‌توانند آثار بازخوردی مثبتی برای کشورهای مبدأ داشته باشند از قبیل ارسال وجوه، ایجاد شبکه‌های تجاری و ...، اما فقدان

1. Pooling

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-05]

نیروهای متخصص منجر به کاهش بهره‌وری سایر عوامل تولید و ایجاد هزینه‌های مالی و اجتماعی در این کشورها شده ضررهای که به‌دلیل صرف یارانه‌های عمومی آموزشی و درآمدهای مالیاتی از دست رفته به این کشورها تحمیل می‌شود. وجود این آثار مثبت و منفی یکدیگر را خنثی نموده و موجب می گردد اثر فرار مغزها بر فقر این کشورها معنادار نباشد.

٦. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

موضوع فقر مقوله‌ای بسیار مهم و در عین حال پیچیده و چند بعدی است. در شرایط کنونی بسیاری از کشورهای در حال توسعه با مسئله فقر و محدود نمودن ابعاد آن مواجهند و در برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت خود این مسئله را مهم‌ترین اهداف اقتصادی خود برشمردند. بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق اثر فرار مغزها بر فقر بی‌معناست. این نتیجه گواه این مطلب است که آثار منفی حاصل از عدم حضور این نیروها نمی‌تواند از طریق وجوه ارسالی آنها جبران شود. حتی اگر مبالغ این وجوه قابل توجه باشد به‌دلیل تخصیص نادرست اثر مولدی نخواهد داشت. در واقع، وجود این آثار مثبت و منفی یکدیگر را خنثی نموده و باعث می‌شود اثر فرار مغزها بر فقر این کشورها معنادار نباشد.

اقتصاددانان معتقدند نیروی انسانی به‌ویژه نیروی انسانی متخصص شرط لازم برای از بین بردن عقب‌ماندگی اقتصادی و ظرفیت‌های استفاده نشده اقتصادی و ایجاد انگیزه‌های لازم برای پیشرفت را دارد. نیروی انسانی متخصص عامل برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مناسب است. کشورهای توسعه‌یافته این موضوع را به‌خوبی دریافتند و سیاست‌های انتخابی نیروی انسانی بر اساس کیفیت را در پیش گرفته‌اند. سیاست‌های مهاجرت در کشورهای توسعه‌یافته در جهت جذب مهاجرین با بالاترین کیفیت با هدف سیاست توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه که کاهش فقر و افزایش رشد می‌باشد در تضاد است، زیرا کشورهای در حال توسعه برای مؤثر بودن سیاست‌های توسعه‌ای خود به این افراد نیازمندند. کشورهای مبدأ نمی‌توانند از خروج متخصصین خود جلوگیری نمایند، اما با جذاب نمودن شرایط داخل کشور می‌توانند موجب بازگشت آنها گردند در این صورت نه‌تنها مهاجرت مخرب نخواهد بود، بلکه موجب رشد و شکوفایی، تسریع در انتقال فناوری و دانش فنی، افزایش تولید و کاهش فقر و تقویت ارتباطات جهانی می‌شود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-05]

یکی از موفق‌ترین تجربه‌ها در زمینه جذب مجدد متخصصین توسط کشورهای مهاجرفرست، ایجاد پارک‌های علمی مجهز و اعطای تسهیلات با بهره پایین به متخصصین می‌باشد. کشورهایی همچون تایوان، کره و ژاپن در این زمینه موفق عمل کردند.

منابع

حسن‌زاده، علی و مسلم فوزمسلمیان (۱۳۸۹)، "ارزیابی آثار جهانی شدن بر فقر: مطالعه موردی کشورهای درحال توسعه"، *پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۱، صص ۲۵۴-۲۲۳.

صادقی، حسین، عصاری‌آرانی، عباس و ظریفه جلیلی (۱۳۸۸)، "بررسی رابطه رشد اقتصادی و فقر با رویکرد کششی فقر در ایران طی سال‌های (۱۳۸۳-۱۳۶۳)"، *پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۱۰۰، صص۷۳-۵۰.

طیبی، سیدکمیل، عمادزاده، مصطفی و هاجر رستمی‌حصوری (۱۳۹۰)، "اثر مهاجرت نیروی انسانی متخصص بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه"، *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، شماره ۲.

Adams, Richard, H. & John Page (2005), "Do International Migration and Remittances Reduce Poverty in Developing Countries?", World Development, Vol. 10, PP. 1645–1669.

Adelman, Irma & J. Edward Taylor (1990), "Is Structural Adjustment with a Human Face Possible? The Case of Mexico", *Journal of Development Studies*, Vol. 26, PP. 387–407.

Çaglar Özden & Maurice Schiff (2005), "International Migration, Remittances & Brain Drain", A Co Publication of the World Bank and Palgrave Macmillan.

Cattaneo, Cristina (2008), "International Migration the Brain Drain and Poverty a Cross Country Analysis", University of Sussex and LIUC.

Docquier, Frédéric (2006), "Brain Drain and Inequality across Nations", IZA Discussion Paper.

Docquier, Frédéric & Abdeslam Marfouk (2006), "International Migration by Education Attainment", International Migration Remittances & The Brain Drain, 33988, PP. 151-199.

Faini, Riccardo (2006), "Remittances and the Brain Drain", IZA Discussion Paper.

International Organization for Migration, http://www.iom.int/jahia/jsp/index.jsp.

Lowell, B. Lindsay (2001), "Some Developmental Effects of the International Migration", International Migration Papers, Vol. 46.

Ravallion, Martin & Shaohua Chen (1997), "What Can New Survey Data Tell Us about Recent Changes in Distribution and Poverty?", *World Bank Economic Review*, Vol. 11, PP. 357–382.

Rodriguez, Edgard R. (1998), "International Migration and Income Distribution in the Philippines", *Economic Development and Cultural Change*, Vol. 46, No. 2, PP. 329-350.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-05]

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-05]